

آخر الزمان

در رمان‌های آپوکالیپتیک

صغری صالحی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

هو الوكيل

آخر الزمان در زمان های آپوکالیپتیک

صغری صالحی



سرشناسه	صالحی، صفری، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور	آخرالزمان در رمان‌های آپوکالیپتیک/ صفری صالحی.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۳۱۷ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۳۹۲-۹
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	آخرالزمان در ادبیات
موضوع	Apocalypse in literature
موضوع	ادبیات مکاشفهای -- تاریخ و نقد
موضوع	Apocalyptic literature -- History and criticism
موضوع	ادبیات مکاشفهای -- مطالعات تطبیقی
موضوع	Apocalyptic literature -- Comparative Studies
شناسه افزوده	پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
شناسه افزوده	Research Center for Culture, Art and Communication
رده بندی کنگره	PIR۴۰۰۹
رده بندی دیویی	۸۵۰/۸۳۵۴۳
شماره کتابشناسی ملی	۸۶۸۸۰۴۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیبا



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
تألیفات فرهنگ، هنر و ارتباطات

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
عنوان: آخرالزمان در رمان‌های آپوکالیپتیک
نویسنده: صفری صالحی (عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات)
ویراستار: ناصر مرادی‌زاده
طراح جلد: مهران مبصری
صفحه‌آرا: فاطمه قیاسوند
نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۴۰۱
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
قیمت: ۱۱۰ هزار تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۳۹۲-۹

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - تلفن: ۱۴۱۵۵ - ۸۸۹۰۲۲۱۳، دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶ Email: nashr@ricac.ac.ir

فرهنگ و جامعه (۶۳)

فهرست مطالب

۱.....	سخن ناشر
۳.....	پیشگفتار
۷.....	فصل اول: کلیات
۱۹.....	فصل دوم: مبانی نظری
۱۹.....	مقدمه
۲۳.....	آخرالزمان در ادیان الهی
۲۴.....	آخرالزمان در دین یهود
۲۶.....	آخرالزمان در مسیحیت
۳۱.....	آخرالزمان در اسلام
۳۴.....	جمع‌بندی
۳۵.....	آخرالزمان در ادیان غیر الهی
۳۵.....	آخرالزمان در زرتشت
۳۷.....	آخرالزمان در بودا
۳۹.....	آخرالزمان در هندو
۴۰.....	جمع‌بندی
۴۰.....	آخرالزمان در غرب
۴۰.....	زمان در یونان باستان
۴۵.....	جمع‌بندی
۴۵.....	زمان و پایان تاریخ در قرون وسطی
۵۱.....	زمان و پایان تاریخ در غرب مدرن
۶۷.....	فصل سوم: بازنمایی پایان جهان در رمان‌های غرب
۶۷.....	رمان جاده
۶۷.....	خلاصه رمان
۷۴.....	بازنمایی پایان جهان در رمان جاده
۷۴.....	مرگ زمین و طبیعت
۷۷.....	مرگ و نابودی انسان
۷۸.....	مرگ تمدن بشری و پیشرفت وارونه
۸۲.....	مرگ ارتباطات انسانی
۸۳.....	مرگ مفاهیم

۸۶.....	فروپاشی نهادهای اجتماعی و ساختارهای سیاسی
۸۷.....	وضعیت نامطلوب انسان
۸۷.....	بی‌هویتی
۸۸.....	درماندگی و سرگردانی
۸۹.....	ناامنی
۹۲.....	مسخ‌شدگی و سقوط فرهنگی
۹۳.....	چیرگی شرارت و محدود شدن نیکی
۹۸.....	پیچ‌گرایی
۱۰۰.....	انزوای طلبی
۱۰۱.....	شبکه مضامین
۱۰۳.....	تجزیه و تحلیل
۱۱۷.....	رمان کوری
۱۱۷.....	خلاصه رمان
۱۲۱.....	بازنمایی پایان جهان در رمان کوری
۱۲۲.....	فراگیری مرگ سفید
۱۲۴.....	نابودی نام (بی‌اسم و رسمی)
۱۲۵.....	نابه‌سامانی خانواده
۱۲۸.....	ناکارآمدی حکومت
۱۳۳.....	فراگیری شورش و آشوب
۱۳۴.....	وضعیت فجیع انسان (کوری انسان و انسانیت)
۱۴۰.....	فراگیری ظلم و ستم
۱۴۳.....	فروپاشی تمدن و سبک زندگی مدرن
۱۴۶.....	شبکه مضامین
۱۴۸.....	تجزیه و تحلیل
۱۵۵.....	رمان خشکسالی
۱۵۵.....	خلاصه رمان
۱۶۵.....	بازنمایی پایان جهان در رمان خشکسالی
۱۶۶.....	بی‌آبی
۱۶۸.....	نابودی محیط زیست
۱۷۰.....	مرگ شهر
۱۷۴.....	وضعیت خانواده
۱۷۵.....	افول حکومت
۱۷۷.....	سقوط انسان و انسانیت
۱۸۴.....	نبرد خیر و شر
۱۸۷.....	شبکه مضامین
۱۸۹.....	تجزیه و تحلیل

۲۰۰.....	رمان طاعون.....
۲۰۰.....	خلاصه رمان.....
۲۰۳.....	بازنمایی پایان جهان در رمان طاعون.....
۲۰۳.....	مصیبت ناگهانی.....
۲۰۵.....	از بین رفتن نظم طبیعی.....
۲۰۶.....	افزایش مرگ و میر.....
۲۰۷.....	ناامنی.....
۲۰۸.....	آشفته‌گی حکمرانی.....
۲۱۳.....	وضعیت بحرانی انسان.....
۲۱۶.....	نابه‌سامانی خانواده.....
۲۱۹.....	رکود اقتصادی.....
۲۲۲.....	شبکه مضامین.....
۲۲۴.....	تجزیه و تحلیل.....
۲۳۴.....	رمان دل تاریکی.....
۲۳۴.....	خلاصه رمان.....
۲۳۶.....	بازنمایی پایان جهان در رمان دل تاریکی.....
۲۳۶.....	تاریکی.....
۲۳۸.....	تصاویر مرگ‌بار.....
۲۴۱.....	استعمار.....
۲۴۴.....	وضعیت نامطلوب انسان.....
۲۴۶.....	شبکه مضامین.....
۲۴۸.....	تجزیه و تحلیل.....
۲۵۸.....	رمان ایستگاه یازده.....
۲۵۸.....	خلاصه رمان.....
۲۶۵.....	بازنمایی پایان جهان در رمان ایستگاه یازده.....
۲۶۶.....	مرگ یا خاموشی شهر.....
۲۶۹.....	نابودی فرهنگ و تکنولوژی مدرن.....
۲۷۳.....	وضعیت بحرانی انسان.....
۲۷۷.....	آشفته‌گی خانواده.....
۲۷۸.....	شبکه مضامین.....
۲۸۰.....	تجزیه و تحلیل.....
۲۸۹.....	نتیجه‌گیری.....
۳۰۹.....	منابع.....

• سخن ناشر

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات با هدف رفع نیازهای پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نزدیک به دو دهه است که با رویکرد مسئله‌محوری به دنبال شناخت مشکلات حوزه فرهنگ و هنر، شناسایی قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها و ارائه راهبردها و راهکارهای مناسب برای حل مشکلات و نیز توسعه قابلیت‌ها در مسیر تعالی فرهنگی کشور است.

این پژوهشگاه، با سه پژوهشکده فرهنگ، پژوهشکده هنر و پژوهشکده ارتباطات در تعامل و همکاری با صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه فرهنگ و هنر، ضمن اجرا و نظارت بر طرح‌های پژوهشی مورد نیاز، اقدام به برگزاری نشست‌ها، همایش‌های علمی، جلسات نقد و گفتگو و نیز جشنواره پژوهش فرهنگی سال می‌نماید.

علاوه بر این، دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه نیز، به‌عنوان متولی انجام مطالعات فرهنگی و اجتماعی در سطح ملی، ضمن اجرای نظرسنجی‌های موردنیاز، به اجرای پیمایش‌های ملی نظیر پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ مصرف کالاهای فرهنگی؛ سواد رسانه‌ای؛ وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه ایران و سنجش سرمایه اجتماعی کشور اقدام می‌نماید.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تلاش دارد تا مجموعه دستاوردهای

پژوهشی خود را با هدف تحقق عدالت فرهنگی و دسترسی همه پژوهشگران و سیاست‌گذاران فرهنگی کشور، منتشر نماید. از این‌رو انتشارات پژوهشگاه طی مدت فعالیت خود تاکنون، آثار پژوهشی متعدد و متنوعی را در قالب «کتاب»، «گزارش پژوهش»، «گزارش نظرسنجی» و «گزارش راهبردی» منتشر کرده است. پژوهشگاه همچنین، انتشار فصلنامه علمی پژوهشی «مطالعات فرهنگ ارتباطات» و نیز چاپ آثار برگزیده جشنواره فرهنگی سال را در کارنامه خود دارد.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ضمن استقبال، تعامل، همکاری و همفکری با استادان، نخبگان و پژوهشگران حوزه فرهنگ، هنر و رسانه، امیدوار است با انتشار دستاوردهای پژوهشی خود بتواند به «مرجع پژوهش» در حوزه فرهنگ و هنر ایران و نیز پایگاهی برای اندیشمندان و دلسوزان این عرصه تبدیل شود. ضمن آنکه پژوهشگاه اذعان می‌دارد، انتشار این آثار برای آشنایی کارشناسان با جدیدترین دیدگاه‌هاست و به‌منزله تأیید تمام محتوای آن‌ها نیست.

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

پیشگفتار

آینده جهان یا فرجام تاریخ، یکی از مجهولات بشر است. بهرغم اینکه این مسئله در منابع مختلف مطرح شده و مکاتب مختلف فکری درباره آن بحث و گفت‌وگو و نظریه‌پردازی کرده‌اند، ولی همچنان اسرارآمیز است. نیاز به دانستن درباره آینده، پایان جهان یا آخرالزمان، همچنان برای انسان پیشرفته امروزی ضروری و چه‌بسا اهمیت آن باتوجه به چالش‌ها و گرفتاری‌های عصر حاضر برای بسیاری از انسان‌ها بیشتر هم شده است. انسان معاصر - چه غربی و چه شرقی - به دنبال کسب آگاهی و رفع عطش سیری‌ناپذیر خویش درباره آینده نامعلوم جهان است.

آپوکالیپس، یکی از بسترهایی است که انسان را با آینده‌ای که از آن بی‌اطلاع است، آشنا می‌سازد. به بیان دیگر، هر جا که انسان برای آگاهی و کسب دانش از طریق مکاشفه دست به پیش‌گویی و حتی پس‌گویی بزند، قلمرو آپوکالیپس در آنجا شکل می‌گیرد. بدین ترتیب، آپوکالیپس می‌تواند قلمرو محدودی داشته باشد و تنها حوادث و اتفاقات جاری و قریب‌الوقوع آینده و گذشته‌های نزدیک را شامل شود؛ یا اینکه محدوده و گستره‌ای چند هزار ساله و آینده‌ای تا آخرالزمان را دربرگیرد و علاوه بر این، گذشته‌ای همچون آفرینش را نیز پس‌گویی کند.

بدین ترتیب، آپوکالیپس مضمونی است که گستره آن هم تا گذشته و هم تا آینده دور امتداد می‌یابد. پیشینه پیش‌گویی‌ها و باورهای آخرالزمانی به ادیان و منابع دینی و عرفانی بازمی‌گردد. این مباحث در دین‌هایی همچون زرتشت، یهود، مسیحیت و اسلام جایگاه منحصر به فردی داشته و به‌طور جدی به آنها پرداخته‌اند. نخستین ردپای آپوکالیپس در متون دینی یهودی و مسیحی یعنی کتاب مقدس دیده می‌شود.

علاوه بر متون دینی و عرفانی، محتوای آپوکالیپسی به گونه‌های ادبی و هنری نیز راه می‌یابد. با راه‌یابی این محتوا به ادبیات، ادبیات آپوکالیپتیک شکل می‌گیرد و آپوکالیپس به ابزاری برای نوشتار بدل می‌شود. در واقع، این منظر فکری یک شیوه و سبک نویسندگی در ادبیات محسوب می‌شود. در ژانر ادبیات آپوکالیپتیک به مضامین بسیاری مانند وقایع فاجعه‌آمیز، نابودی یا نجات انسان‌ها، منجی‌گرایی، معنویت‌گرایی، مرگ‌های دسته‌جمعی، فرجام‌شناسی، آینده‌گرایی، موعودگرایی، چگونگی مواجهه با بحران‌ها، پیش‌گویی، مکاشفه و... پرداخته شده است. در این اثر، از میان گونه‌های مختلف ادبی، رمان‌های غرب و از بین مضامین گوناگون آن، مضمون «پایان جهان» برگزیده شده است. در رمان‌های آپوکالیپتیک غرب نیز مضمون پایان جهان از منظرهای مختلف به تصویر کشیده شده است. در برخی از این آثار به‌صراحت مفاهیم آخرالزمانی دیده می‌شود. در برخی دیگر این مفاهیم و عناصر آن به‌صورت غیرمستقیم مورد توجه قرار می‌گیرد. در اغلب این رمان‌ها، آینده بشر، آخرالزمان یا پایان جهان به صورت‌های مختلف ویرانی دنیا، نابودی زمین و محیط‌زیست، از بین رفتن تمدن و فرهنگ مدرن، مرگ انسان‌ها و موجودات و نجات تنها عده‌ای محدود و... به تصویر کشیده شده است. در برخی دیگر نیز ایجاد دنیایی دیگر با حاکمیت نژادی برتر، حکومت‌های جدید و موجودات فرازمینی و از این قبیل موضوعات مورد توجه رمان‌نویسان قرار گرفته است.

هدف این اثر، چگونگی مفهوم‌سازی، بازنمایی و صورت‌بندی مضمون

«پایان جهان» در رمان‌های غرب است. در فصل اول، ذیل عنوان «کلیات و تعاریف» به تعریف مفاهیم اساسی و روش‌شناسی اثر پرداخته می‌شود. فصل دوم به مبانی نظری می‌پردازد. در فصل سوم، ابتدا بازنمایی پایان جهان در پنج نمونه از رمان‌های غرب (جاده، خشکسالی، طاعون، کوری، ایستگاه یازده و دل تاریکی) بررسی و سپس براساس دیدگاه‌های کارل لوویت، چارچوب و صورت‌بندی رمان‌ها تجزیه و تحلیل می‌شود. لازم به ذکر است، این کتاب برگرفته از طرحی پژوهشی است که با نظارت آقای دکتر شاپور بهیان به ثمر نهشته است، لازم می‌دانم از راهنمایی‌های ایشان قدردانی کنم.

• فصل اول:

کلیات

زنجیره وقایع و رخداد‌های سال‌های اخیر، در کنار بسیاری از بحران‌های چندوجهی عارض شده بر تعاملات و مناسبات فرهنگی و تمدنی انسان در زمان معاصر، سبب شده تا بیش از همه سال‌ها و قرن‌ها، ذهن و زبان عموم مردم، به ویژه ساکنان سرزمین‌های اسلامی، متوجه موضوع «آخ‌الزمان» و «پایان دنیا» شود و همگان در جست‌وجوی پاسخ سؤال درخصوص چگونگی این رخداد هستند. طی سال‌های اخیر، بسیاری از مکاتب فکری به مباحث آخ‌الزمانی به عنوان نقطه‌ای کانونی در مطالعات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی نظامی خویش نگرسته و درباره‌اش اندیشیده‌اند. غرب نیز به مدد مراکز مطالعاتی‌اش به دنبال بررسی همه‌جانبه پیشگویی‌ها درباره آینده جهان و تدوین نقشه برای جهان آینده است. انتشار کتاب‌ها و ساخت فیلم‌هایی با مضامین آخ‌الزمانی و ایجاد پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و طرح مباحثی همچون پایان تاریخ، جنگ تمدن‌ها و مرتبط دانستن هر واقعه کوچک و بزرگ در جهان اسلام و به خصوص شیعیان ایران، حکایت از این دارد که غرب به مباحث آخ‌الزمانی به صورت جدی نظر دارد و تلاش می‌کند تفسیر خود را از این مسئله در آثار فرهنگی و هنری‌شان بازتاب و ترویج دهد. بدین ترتیب،

پرداختن به بازنمایی این مسئله در آثار و مطالعات فرهنگی و ادبی غرب حائز اهمیت است.

اغلب برای دستیابی به اندیشه‌ها و رویکردهای غرب در این حوزه، نوشته‌های آکادمیک آنها را دنبال می‌کنند. اما از طریق ادبیات داستانی (رمان) به عنوان یک ژانر پرمخاطب و جذاب نیز می‌توان به نگرش و دیدهای آنها نسبت به مقوله آخرالزمان و پایان جهان دست یافت؛ زیرا همواره پیوندی دوسویه بین آثار ادبی و جامعه وجود دارد. یعنی به همان نسبت که آثار ادبی گاه موجب جریان‌سازی اجتماعی می‌شوند، گاه متون ادبی بیش از آنکه عنصری جدابافته و محصول خلاقیت فردی باشند، مقوله‌ای فرهنگی، فکری و برآمده یا متأثر از تلاش جمعی و اجتماعی جامعه انسانی است.

اگرچه ادبیات آخرالزمانی از زیرشاخه‌های ژانر ادبیات علمی-تخیلی محسوب می‌شود که با نوع ترسناک و گوتیک قرابت بیشتری دارد، اما امروزه به دلیل وسعتی که یافته تقریباً خودش را از زیر چتر ژانر ادبیات علمی-تخیلی بیرون کشیده و با رویکرد آخرالزمانی و پساآخرالزمانی به ژانر مستقل و حتی محبوب در ادبیات و سینما تبدیل شده است. این ژانر با حاکمیت خشونت در جهان-به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم که بشریت را به سمت تهدید جنگ‌های وسیع و هسته‌ای سوق داد- قوت گرفته است؛ به‌طوری‌که تنها راه‌رهایی از جهنم زمین، امید به اتفاقی در آینده تصویرسازی می‌شود. اساساً این گونه ادبی از الگوهای کهن ادبیات جهان مایه می‌گیرد.

پرداختن به مضامین آخرالزمانی در ادبیات داستانی (رمان) به قرون وسطی و زمان شیوع طاعون (مرگ سیاه) بازمی‌گردد. از این زمان به بعد، بیماری‌های واگیردار به عنوان یکی از علائم و نشانه‌های آخرالزمانی در ادبیات داستانی غرب نمود پیدا کرده‌اند. در قرن بیستم و با ظهور مهندسی ژنتیک و شیوع بیماری‌های ویروسی جدید مانند ایدز و ابولا، این بازتاب‌ها و نمودها در رمان‌ها بیشتر شد. همزمان با تغییر و تحول دنیا و مسائل و دغدغه‌های روز جامعه و عوامل و شرایط گوناگون زیست‌محیطی، توجه به طبیعت، پیدایش

ایترنت، فضای مجازی، عرفان‌های نوظهور، توجه به مقوله دین و بحث هزاره و هزاره‌گرایی و نیز تأثیر گرایش‌های مختلف فکری و سیاسی، ادبیات داستانی آخرالزمانی نیز دستخوش دگرگونی شده و از وضعیت اسطوره‌ای فاصله می‌گیرد و با مضامینی همچون دستکاری‌های ژنتیکی، ته‌کشیدن منابع حیاتی، جنگ‌های بیولوژیک، فجایع طبیعی ناشی از گرم‌شدن زمین و... صورت‌بندی می‌شود. بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌های آخرالزمانی نیز با اقتباس از این رمان‌ها شکل گرفته‌اند و موضوعاتی این‌چنینی از مهم‌ترین مباحث سینمای آخرالزمانی است. همچنان‌که محتواها و روایت‌های اغلب فیلم‌های صنعت سینمایی هالیوود درباره آخرالزمان برگرفته از رمان‌های آخرالزمانی غرب بوده است.

بنابراین، ورود گسترده سینما و رمان به‌عنوان دو مظهر تکنولوژیک مدرن به مضامین آخرالزمانی، به‌رغم دلایل گوناگون آن، نشان از عطش جامعه به طرح مسائل این‌چنینی و ابهامات در این حوزه دارد. علاوه‌براین، در تمام دوره‌های تاریخی، هنگامی که بشر با بحران‌های مرگ‌بار همچون وقوع جنگ‌های بزرگ، تولید سلاح‌های هسته‌ای و اتمی مواجه شده، بحث‌های آخرالزمانی نیز تقویت شده و به مسئله پایان جهان ارتباط پیدا کرده است. هرگاه این بحران‌های مرگ‌آفرین تعداد بی‌شماری از انسان‌ها را گرفتار کرده و جنبه همه‌گیری و فراگیری آن رنگ‌وبوی جهانی پیدا کرده، به‌مراتب نگرانی‌ها، دلهره‌ها و ترس و وحشت از مسئله چگونگی پایان دنیا نیز بیشتر شده و به یک نگرانی جهانی تبدیل شده است و همچنان این مسئله تقویت می‌شود که آیا با حوادث آخرالزمان و پایان دنیا مواجهیم؟ پاسخ رویکردها و گرایش‌های مختلف فکری به این مسئله باتوجه‌به جهان‌بینی‌ها، جهان‌شناسی‌ها و گونه‌های متفاوت معرفتی، متفاوت و متناقض است؛ چندان‌که این مسئله گاه به خرافه‌ها و جهالت‌های فکری نیز آمیخته می‌شود.

در هر صورت، باتوجه به بحران‌های بسیاری که در دنیای معاصر پیش رو داریم، اهمیت طرح این مباحث دوچندان می‌شود. هم‌اکنون نیز با پیدایش

و شیوع ویروس کرونا، بازار بحث‌های آخرالزمانی و حوادث پایان جهان داغ شده و بیش از گذشته در بین مردم رواج پیدا کرده است. بنابراین، گره‌خوردگی بحران‌ها با مباحث آخرالزمانی در جامعه امروز نیز زمینه و ضرورت انجام این پژوهش را شکل داد. امروزه، هم نگاه تخصصی و علمی به محتوا و مضامین رمان و فیلم، سبب اقبال بیشتر به این دو ژانر در سطح آکادمیک شده است و هم به دلیل جذابیت‌ها و جنبه تفریحی که دارند، این دو ژانر (فیلم و رمان) سهمی بیشتری در اطلاعات دهی و جذب مخاطب عام دارند. در ایام خاص مانند روزهای قرنطینه خانگی به سبب شیوع کرونا و ویروس نیز مردم به دیدن فیلم‌ها و خواندن رمان‌هایی از این دست بیش از گذشته روی می‌آورند. از این رو، ژانر رمان برای بررسی چگونگی بازنمایی مباحث آخرالزمانی انتخاب شد. علاوه بر این، امروزه سبک رمان بیش از گذشته به عنوان ابزاری برای بیان عقاید، خواسته‌ها و در راستای تلقین و تزریق بار فرهنگی مد نظر قرار گرفته و به منظور ارائه نوعی چشم‌انداز، تدوین و طراحی می‌شود.

در ژانر ادبیات داستانی آخرالزمانی، مضامین بسیاری همچون چگونگی وضعیت انسان در بطن فجایع بزرگ، نجات انسان‌ها، انواع منجی‌ها، زندگی بازماندگان پس از فاجعه، تلاش انسان‌ها برای جلوگیری از رخداد‌های آخرالزمانی، توجه به دانش بشری، خرق عادت، معنویت‌گرایی، عدالت اجتماعی، محیط زیست، مرگ مدرن، فرجام‌شناسی، آینده‌گرایی، خشونت‌های انسانی، نحوه مواجهه با بحران‌ها، پیشگویی، مکاشفه و... مطرح است. در این نوشتار، مضمون «پایان جهان» گزینش و چگونگی مفهوم‌سازی، بازنمایی و قرائت خاص این مضمون در رمان‌های آخرالزمانی غرب بررسی و تحلیل می‌شود. انتخاب این مضمون بدین علت است که نسبت به سایر مضامین شمول و جامعیت بیشتری دارد و به نوعی سایر مضامین در بطن آن گنجانیده شده است.

بدین ترتیب، هدف اصلی پژوهش، دستیابی به چگونگی بازنمایی مضمون «پایان جهان» در رمان‌های آخرالزمانی غرب است. سپس، رسیدن

به صورت بندی فکری رویداد آخرالزمان در رمان های غرب مدنظر است. براساس این اهداف، پژوهش حاضر می کوشد تا به این سؤالات پاسخ دهد که مضمون «پایان جهان» چگونه در رمان های غرب بازنمایی شده است؟ و رویداد آخرالزمان بر مبنای چه رویکردهای فکری، سوزده رمان ها قرار گرفته و صورت بندی شده اند؟

در مباحث مربوط به آخرالزمان همواره از نشانه ها و علائم طبیعی، انسانی و نمادین و مدرن به عنوان علائم پایان دنیا سخن گفته شده است. همسو با این علائم، از عوامل طبیعی، انسانی، فراطبیعی و فراانسانی و... به عنوان عوامل مرگ های همه گیر و بی شمار و زمان فرا رسیدن رخداد آخرالزمانی سخن گفته شده است. بر مبنای این عوامل و علائم، بازتاب و تصویرسازی های متفاوتی از رخداد آخرالزمان و حادثه ای که نسل بشر را به پایان نزدیک می کند، صورت گرفته است. همچنین، گونه های متفاوتی از منجی به تصویر کشیده شده است. این اثر بر مبنای این معیارها، تصویرسازی های «رخداد پایان جهان» را در شش نمونه از رمان های آخرالزمانی معروف غرب در دهه های مختلف، بازنمایی و نگاه ترسیم شده به آینده جهان را تحلیل می کند. رمان های مورد بررسی عبارتند از: ۱. طاعون (آلبر کامو)، ۲. کوری (ژوزه ساراماگو)، ۳. دل تاریکی (جوزف کنراد)، ۴. جاده (کورمک مک کارتی)، ۵. ایستگاه یازده (امیلی سنت جان مندل)، ۶. خشکسالی (جی. جی بالارد).

تاکنون رمان های بسیاری در ژانر آخرالزمانی نوشته شده، اما اغلب آنها به فارسی ترجمه نشده است. ملاک انتخاب این رمان ها، «تنوع» و «تفاوت مبنایی» است؛ زیرا هریک از این رمان ها بر مبنای یکی از علائم طبیعی، انسانی، فراانسانی و... نگارش شده است؛ در هریک از این حوزه ها و محورها نیز تلاش شده است تا رمان های معروف تر و پرفروش تر گزینش شود.

آپوکالیپس (آخرالزمان): «آپوکالیپس» واژه ای یونانی است. این واژه در اصل به معنای وحی، مکاشفه و پرده برداشتن از اسرار و عوالم ناشناخته

است. درون‌مایه کتاب مکاشفات، پیش‌بینی وقایع عمدتاً هولناک است. واژه آپوکالیپس به تدریج و متأثر از کتاب مکاشفات با آخرالزمان هم‌معنا شده است و به دوره‌ای اشاره دارد که بعد از آن زمانی وجود نخواهد داشت یا دوباره زمان با هیأتی جدید آغاز خواهد شد. «پایان زمان حال» در هر دو تعریف مشترک است. آخرالزمان در تفکر یونانی و رومی با دو کلمه «یوتوپیا» و «دیس‌توپیا» نشان داده می‌شود. یوتوپیا، حالت مثبت آخرالزمان است که انسان به مراد غایی‌اش می‌رسد؛ اما دیستوپیا، منفی‌ترین حالتی است که ممکن است برای جهان و انسان رخ دهد. براساس معنا و مفهوم آپوکالیپس، ادبیات آپوکالیپتیک (آخرالزمانی)، نوعی ادبیات پیشگویانه است و به بینش و نگاه نویسندگان به پایان دنیا و حوادث آن اشاره دارد (خانجانی، ۱۳۹۸: ۱۸۱).

کلمه آپوکالیپتیک به معنای آخرالزمان، نخستین بار توسط گوتفريد کریستیان فردریش لوک و در مقدمه‌ای بر مکاشفات یوحنا در سال ۱۸۳۲ میلادی به کار گرفته شد. ادبیات آخرالزمانی نیز نخستین بار در متون یهودی از جمله در عهد عتیق و در سفر پیدایش و کتاب دانیال نمایان شد. دیگر متونی که از ادبیات آخرالزمانی بهره برده‌اند، عبارتند از کتاب‌های اشعیا، عزرا، حزقیال و... که در آنها آینده جهان و بشر با لحنی آکنده از بیم و امید به تصویر درآمده‌اند. ادبیات آخرالزمانی از همان آغاز به عنوان یک ژانر یا گونه مطرح بوده است. برخی از منتقدان، این ژانر را در قالب روایتی تعریف کرده‌اند که در آن انسان واسطه‌ای است برای دریافت روایت ازسوی منبعی متعالی. به بیان دیگر، بر آگاهی افراد از راه‌های غیرطبیعی نسبت به دانسته‌های غیبی درباره آینده اطلاق می‌شود (عزیزیان، ۱۳۹۸: ۷۱).

آخرالزمان در ادبیات غرب لزوماً و صرفاً به متونی اطلاق نمی‌شود که ملهم از مکاشفه یوحنا باشند؛ اما بخشی از این نوع ادبیات، شامل متن‌هایی است که از مکاشفه یوحنا ملهم‌اند. یوحنا پرده از خبری برمی‌دارد که در آینده رخ می‌دهد. در این نوع ادبیات به رویدادها و اسرار آینده جهان پرداخته شده و این حوادث عموماً همراه با خشونت، وضعیت بحرانی و کشتار جمعی انسان‌ها توصیف شده‌اند (فرهمندیا، ۱۳۹۸: ۱۸۴).

در یک تعریف دیگر، واژه آپوکالیپس شکل تغییر یافته Eschatology از ریشه Eskhatos به معنای آخرین دانسته شده است و به گونه‌هایی از اساطیر رستاخیز باور و فرجام‌شناسی اشاره دارد که دگرگونی جهان را پیش‌بینی می‌کنند (کوپ، ۱۳۸۴: ۷۷). علاوه بر این، واژه آپوکالیپس به معنای پرده‌برداری و کشف چیزهایی است که بدون کمک الهام و شهود قابل درک و کشف نیستند و به عنوان یک سبک، بیانگر دیدگاه نویسندگان در مورد آخر الزمان و رویدادهای مربوط به آن است. این سبک در حقیقت انگاره‌ای از تاریخ جهان و بشریت، منشأ بدی‌ها و خوبی‌ها، جنگ میان حق و باطل و فرجام نیکوکاران و بدکاران را در جهان کنونی به دست می‌دهد.

علی اصغر بهرامی، مترجم بسیاری از آثار «بالارد» در تعریف آپوکالیپس چنین می‌نویسد: «آپوکالیپس در اصطلاح ادبیات به وقوع فاجعه مصیبت‌باری گفته می‌شود که به دست خود انسان به علت ندانم‌کاری یا سودجویی یا به علت رویدادهای فرازمینی و موجودات جهان‌های دیگر بر زمین نازل می‌شود؛ و انسان را درگیر این فاجعه و جهان بعد از این فاجعه مشاهده می‌کنیم» (خانجانی، ۱۳۹۸: ۱۸۱).

آپوکالیپس به عنوان یک نوع ادبی در حوزه متون دینی و عرفانی نیز مطرح است و رسماً از سده دوم میلادی به عنوان یک اصطلاح ادبی به کار برده شده است. این گونه ادبی به روایتی اطلاق می‌شود که در آن به عنایت نیروی قدسی از حوادث آینده پرده برداشته می‌شود. مضمون و محتوای بیشتر آثار ادبیات آپوکالیپتیک عبارت است از: دخالت ناگهانی خداوند در تاریخ و امور بشری، تحولات عظیم آسمانی نظیر اداره موقتی جهان توسط شیطان و قحطی و آفات آسمانی، سروش، صدای غیبی و الهام، حس اضطراب و اضطرار، امید به رهایی و گشایش در آینده، چیرگی تقدیر الهی بر اراده خلق، تفأل و تطییر، نفی اسباب دنیوی و کشمکش میان خوبی و بدی که در نهایت به شکست شیطان و سیطره کامل خداوند می‌انجامد (دانشنامه بریتانیکا، ۲۰۰۲).

رمان‌های آخر الزمانی: رمان، یک نوع ادبی است که از ابتدای قرن بیستم،

رفته‌رفته در ادبیات داستانی ریشه دوانید و امروزه یکی از پرخواننده‌ترین انواع ادبی در جوامع محسوب می‌شود. تعریف رمان یا تعیین مرزهای تمایزبخش آن از دیگر انواع ادبی، به‌ویژه انواع ادبی داستانی، کار ساده‌ای نیست و دستیابی به تعریف جامع و مانع از آن دشوار است. فرهنگ‌های لغات و منابع ادبی، تعریف‌های گوناگونی از رمان ارائه داده‌اند. در فرهنگ آکسفورد، رمان چنین تعریف می‌شود: «نثر روایتی داستانی که نسبتاً طولانی است و در آن شخصیت‌ها و اعمال که نماینده زندگی واقعی‌اند، با طرحی کمابیش پیچیده تصویر شده‌اند» (میرصادقی، ۱۳۶۰: ۱۷۶). فرهنگ وبستر نیز در تعریف رمان می‌نویسد: «نثر روایی خلاقه‌ای که معمولاً طولانی و پیچیده و آمیزه‌ای است از تجربیات انسانی، همراه با تخیل که با توالی حوادث بیان شده است و در آن، گروهی از شخصیت‌ها در زمینه مشخصی دست دارند» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۱۸).

تعریف رمان در فرهنگ اصطلاحات ادبی هاری‌شا چنین است: «روایت منشور داستانی طولانی که شخصیت‌ها و حضورشان را در سازمان‌بندی مرتبی از وقایع و صحنه‌ها تصویر کند. اثری داستانی که کمتر از سی تا چهل هزار کلمه داشته باشد، غالباً به‌عنوان قصه، داستان کوتاه، داستان بلند، ناولت محسوب می‌شود؛ اما رمان، حداکثری برای طول و اندازه واقعی خود ندارد. هر رمان، شرح و نقلی از زندگی است. هر رمان متضمن کشمکش، شخصیت‌ها، عمل، صحنه، پیرنگ و درونمایه است» (همان: ۱۱۹-۱۱۸). نظریه‌پردازان و منتقدان ادبی نیز به‌لحاظ ساختاری تعریف‌های خاصی از رمان مطرح کرده‌اند؛ مارتین گری (۱۳۸۲: ۲۲۳) در تعریف رمان می‌گوید: «رمان، داستان منشور بلندی است که تقریباً بر شخصیت و حادثه متمرکز است و همواره شامل طرح است». ادوارد مورگان فورستر (۱۳۵۷: ۹) معتقد است: «رمان نثری است داستانی که طول معینی داشته باشد». آمل شووالی، رمان‌نویس انگلیسی، رمان را «داستانی به نثر و با وسعت معین» می‌داند (همان). از نظر ادوین میور (۱۳۷۳: ۸۷)، «زمان، نمودگار حوادثی است که در زمان رخ می‌رهد؛ نمودگاری که تابع شرایط ظهور و تکامل این رویداد

است». کاترین لور (۱۳۸۱: ۱۹) در کتاب «شناخت هنر رمان» می‌نویسد: «رمان نثری است روایی و در قالب نوشتار با حجم نسبتاً زیاد که خواننده را به دنیای واقعی خیالی می‌برد و چون این دنیا را نویسنده آفریده است، تازگی دارد».

عبدالعلی دستغیب، منتقد ایرانی، رمان را چنین تعریف می‌کند: «رمان اساساً روایتی نقلی است حاوی ماجرا و حادثه که سرگذشت فرد یا افرادی را از آغاز تولد تا پایان زندگی آنها وصف می‌کند و برای اینکه به صورت قصه‌ای تخیلی درآید، باید دارای طرح داستانی باشد. یعنی ماجراهای آن بر اصل علیت استوار شود» (دستغیب، ۱۳۹۳: ۱۳). ناصر ایرانی (۱۳۸۰: ۴۷) نیز در واکاوی معنای رمان می‌گوید: «اصطلاح رمان، یک معنای عام دارد و یک معنای خاص. در معنای عام، ناظر به تمام شکل‌های داستانی منشور بلند است که بر تخیل و افسانه متکی است؛ قصد آن بیشتر لذت بخشیدن به خواننده است و گاه آموزش دادن به او. سابقه آن به یکی دو قرن پیش از میلاد مسیح می‌رسد؛ در طول عمر درازش دگرگونی‌های بسیار یافته و هم‌اکنون نیز انواع جدید آن به فراوانی نوشته و خوانده می‌شود؛ و در معنای خاص، به شکلی از همان داستان منشور بلند گفته می‌شود که تقریباً در اوایل قرن هجدهم در اروپا پدید آمد؛ و شخصیت‌ها و رؤیاهایی را تصویر می‌کند که اگرچه بر ساخته‌ی قوه‌ی تخیل‌اند، چنان واقعی می‌نمایند که گویی در زندگی واقعی با آنان آشنا بوده‌ایم و سروکار داشته‌ایم».

در یک نگاه کلی و به دور از پیچیدگی، رمان را می‌توان اشاره‌ای هنرمندانه و ادیبانه به واقعیات زندگی تعریف کرد و بر این اساس، آن را ساختاری متشکل از سه بُعد دانست: ۱. دنیایی خیالی که متن بر آن دلالت می‌کند؛ ۲. وصف روایی که در قالب واژگان و عبارات متن بیان می‌شود؛ و ۳. دنیای خارج که رمان به آن اشاره دارد.

رمان آخرالزمانی، متعلق به گونه‌ی آپوکالیپتیک و نوعی از رمان است که داستان‌هایش به مضامین آخرالزمان و پایان جهان می‌پردازد و ماجراهای این

دوره را به تصویر می‌کشد. به بیان دیگر، این نوع رمان‌ها در دسته ادبیات آخرالزمانی جای می‌گیرند.

ادبیات آخرالزمانی در شاخه‌ها و گونه‌های متفاوتی مفهوم‌سازی شده‌اند. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آن را به دو گونه اصلی دسته‌بندی کرد؛ دسته اول، آثاری که بر فراروایت‌های اسطوره‌ای و کهن مبتنی‌اند. دسته دوم، آثاری که از روابط علت و معلولی خود جهان روایت برآمده و مبنای فراروایتی ندارند؛ یعنی مبتنی بر هیچ‌گونه فراروایت پیشینی نیستند و از دل خود متن و مناسبات‌ها و روابط علت - معلولی که نویسنده در متن ایجاد می‌کند، شکل گرفته‌اند؛ این گونه عمدتاً در آثار نویسندگان پسا مدرن دیده می‌شود. دسته اول که مبتنی بر فراروایت‌ها هستند، خود به چند دسته مختلف تقسیم می‌شوند: ۱. فراروایت‌هایی که لزوماً به برخورد نهایی یا جنگ آخرالزمان قائل هستند؛ چیزی که در ادبیات مسیحی تحت عنوان آرماگدون شناخته می‌شود. مبنای الهیاتی این الگو، متن مکاشفات یوحنا در عهد جدید است. روایات مختلفی در متون مختلف دینی یا اسطوره‌ای درباره چگونگی وقوع پایان جهان دیده می‌شود. دو منبع فکری و مفهومی برای این روایت‌ها، یکی بینش اسطوره‌ای است و دیگری تفکر یهودی که پس از تبعید از سرزمین اصلی شکل گرفته است. ایده اساسی در هر دو نوع تفکر، پیشگویی درخصوص چگونگی پایان یافتن دنیاست. اندیشیدن به پایان و نابودی جهان به نحوی که همراه با برقراری عدالت در جهان و پایانی بر رنج انسان‌های درستکار باشد. ۲. نوع دیگری از فراروایت‌ها، آن قسمی است که با یک نوع موعودباوری و مسیانیسیم گره می‌خورد؛ یعنی ترکیب آپوکالیپس با مسیانیسیم که «انتظار» برای رسیدن به یک وضعیت مطلوب یا آرمانی را در آخرین بهره از زمان تجسم می‌بخشد. در این نوع نگاه به آخرالزمان، یک نوع رویکرد اتوپیایی دیده می‌شود که ریشه‌اش در آموزه‌های کتاب شهر خدا «سنت آگوستین» است. در مجموع، تمام گونه‌های ادبیات آخرالزمانی که حالت مسیانستی دارند، دست‌آخر به تحقق نوعی اتوپیا یا ضد آن یعنی دیستوپیا یا کاکوتوپیا (شهر

گناه) نظر دارند. ۳. نوع دیگری از فرا روایت‌ها که تقریباً مشابه با همین رویکرد اتوپیا باورانه است، آن چیزی است که «بودریار» از آن نام می‌برد و مبتنی بر یک نوع «آکرونیا» یعنی تاریخ معکوس است؛ یعنی اتوپایی که به جای اینکه رو به آینده داشته باشد، رو به گذشته دارد (فرهمندیا، ۱۳۹۹: ۱۸۴-۱۸۳). در واقع، این سه دسته فرا روایت‌هایی هستند که طبق میراث ادبی و سنت الهیاتی و الگوهای تاریخی، گونه‌های ادبی آخرالزمانی را شکل داده‌اند. در این نوشتار و در بررسی رمان‌ها و مفهوم‌سازی از «پایان جهان» به این دو گونه اصلی ادبیات آخرالزمانی توجه می‌شود.

روش یا رویکرد کلی این اثر، ناظر به تحلیل مضمون^۱ است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. بویاتزیس (۱۹۹۸: ۴) این روش را، نه روشی خاص بلکه ابزاری مناسب برای روش‌های مختلف معرفی می‌کند. از دید وی، تحلیل مضمون صرفاً روش کیفی خاصی نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود. اما به عقیده براون و کلارک (۲۰۰۶)، تحلیل مضمون را باید روش ویژه‌ای در نظر گرفت که یکی از مزایای آن انعطاف‌پذیری است. آنها تحلیل مضمون را روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی تعریف می‌کنند. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

از آنجاکه تحلیل مضمون، تحلیلی کیفی است، پاسخ روشن و سریعی برای این وجود ندارد که مقدار داده‌های مناسب و مورد نیاز- که دلالت بر وجود مضمون یا اطلاق آن کند- چقدر است. بنابراین، مضمون لزوماً به معیارهای کمی بستگی ندارد؛ بلکه به این بستگی دارد که چقدر به نکته مهمی درباره سؤالات تحقیق می‌پردازد (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

طبق نظر براون و کلارک (۲۰۰۶) و کینگ و هاروکس (۲۰۱۰: ۱۴۹)

به‌رغم این که قاعده کاملاً مشخصی درباره شناخت مضمون وجود ندارد، اما می‌توان به‌منظور تعریف و شناخت آن از اصول راهنمای مناسبی استفاده کرد که برخی از آنها عبارتند از:

۱. اولاً شناخت مضمون هرگز صرفاً به‌معنی یافتن نکته جالبی در داده‌ها نیست، بلکه مستلزم آن است که پژوهشگر مشخص کند که در داده‌ها باید به دنبال چه چیزی باشد؟ از چه چیزهایی باید صرف‌نظر و چگونه باید داده‌ها را تحلیل و تفسیر کند؟

۲. واژه «مضمون» به‌طور ضمنی و تا حدی، مبین «تکرار» است؛ لذا مسئله‌ای را که صرفاً یک‌بار در متن داده‌ها ظاهر شود، نمی‌توان «مضمون» به‌حساب آورد (مگر آنکه نقش برجسته و مهمی در تحلیل نهایی داده‌ها داشته باشد). به‌طور معمول، تکرار به‌معنی مشاهده و ظاهر شدن در دو یا چند مورد در متن است.

۳. ثالثاً، مضمون‌ها باید از یکدیگر متمایز باشد. با وجود این که همپوشانی در میان مضامین تا حدودی اجتناب‌ناپذیر است، اما اگر مرز کاملاً مشخص و تعریف‌شده‌ای میان مضامین مختلف وجود نداشته باشد، نمی‌توان درک درستی از تحلیل‌ها و تفسیرها عرضه کرد.

به‌طور کلی در روش تحلیل مضمون، تأکید بر مضمون یا تم است که بیانگر اطلاعات مهمی درباره داده‌هاست و تا حدی، معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد (براون و کلارک، ۲۰۰۶). مضمون، الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (بویاتزیس، ۱۹۹۸: ۴).

در این اثر، کلیتی از روش تحلیل مضمون به‌کار گرفته شده است؛ بدین‌صورت که مفاهیم آخرالزمانی که با مضمون «پایان جهان» گره خورده، استخراج و از متن برای آنها نقل‌قول و استناد آورده می‌شود. همچنین چگونگی بازنمایی آنها توصیف می‌شود. درنهایت براساس این بازنمایی، گفتمان حاکم بر رمان‌های آخرالزمانی غرب تحلیل می‌شود.